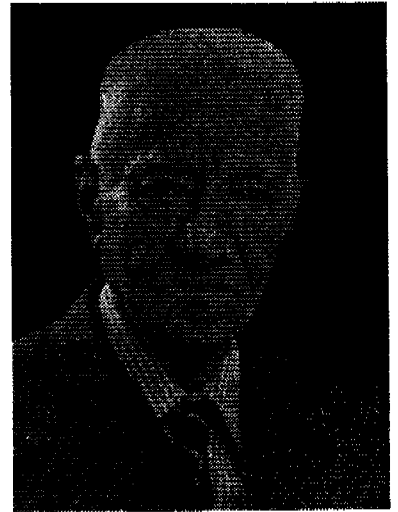


سیر خط جاف که به صحرای نوشته‌ها آشنائی با استاد حسن زرین خط



استاد حسن زرین خط

شاید در تمام تاریخ خط و خوشنویسی ایران نتوان کسی را یافت که به اندازه استاد حسن زرین خط، خط نوشته باشد. خود او می‌گوید: «خط من در جیب هر ایرانی هست.» و بهراستی نیز چنین است. زیرا نوشته‌های روی اسکناسهای بانک ملی به خط اوست. گذشته از این، کتابهای ادبی، کتابهای درسی، کتیبه‌های مساجد و مقابر و بناهای بزرگ تاریخی، سنگ نبشته‌های آثار گوناگون تاریخی، اوراق بهادار، بروشور داخل جعبه‌های دارو،

سکه‌ها، کاشی‌ها، پلاکها، تابلوهای تأسیسات و بناهای دولتی، سنگ مزارها، شناسنامه، دفاتر ازدواج، زیارتنامه و... اغلب به خط اوست.

این هنرمند پرتوان که اکنون هشتاد و پنج سال دارد، از ده سالگی قلم به دست گرفته، بیش از شصت و پنج سال از عمر خود را در کار خط و خوشنویسی بهسر آورده و هنوز هم می‌نویسد.

چندی پیش، از سوی «انجمن هنر و مردم»، جلسه‌ای به منظور تجلیل از این استاد برگزار گردید و در بروشوری که برای توزیع در این مراسم چاپ و منتشر شد، اجمالا به شرح حال و خدمات او اشاراتی شد. اما این کافی نبود. به همین سبب، مجله هنر و مردم بر آن شد تا برای تکمیل و ادامه آن مراسم، به چاپ شرح کاملی از احوال و خدمات استاد حسن زرین خط دست زند. البته قصد بر این است که از این پس، این کار در مورد یکایک استادان خط و خوشنویسان معاصر انجام گیرد. باشد که از این طریق اندکی از دین خود را به خدمات گرانبه‌ای این پاسداران فرهنگ و هنر ایرانی ادا کنیم. اینک می‌پردازیم به شرح حال استاد زرین خط: به سال ۱۲۷۳ خورشیدی در خانواده‌ای متوسط، در تهران زاده شد. از همان

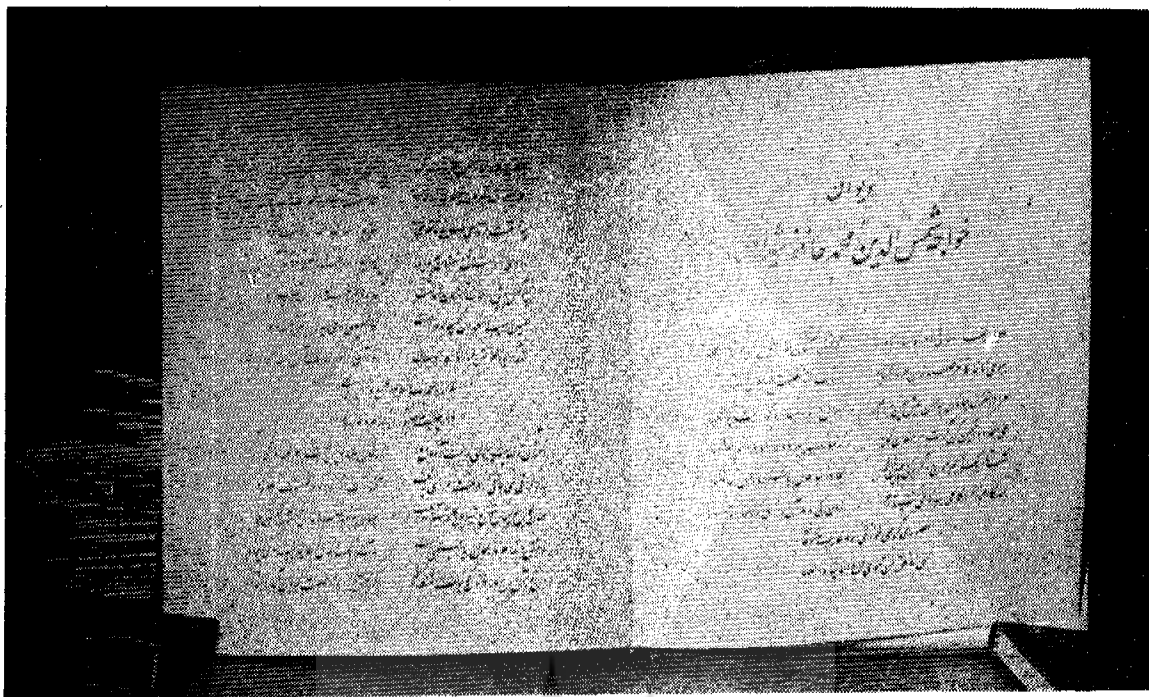
کودکی عشق فراوانی به خط داشت. به همین دلیل از هر فرصت کوچکی برای فراگیری، بهره می‌برد. ظهرها وقتی از پیش پدرش برای صرف ناهار به خانه باز می‌گشت، سر راهش به مسجدشاه میرفت و از روی سنگنبشته‌های اطراف رواق مسجد سیاه‌مشق می‌نوشت. در آن زمان، استاد میرزا طاهر کاتب همایون در نزدیکی مسجدشاه مکتب‌خانه‌ای داشت. استاد حسن زرین خط که گاه به آنجا میرفت و به تماشای نوشتن خط می‌ایستاد. بر اثر علاقه‌ی روزافزونی با اصرار فراوان، پدرش را بر آن داشت که او را به آن مکتب‌خانه بفرستد. با پرداخت ماهی هشت قران در آنجا نام نوشت. یک ماه این مبلغ را پرداخت، اما از ماه دیگر استادش میرزا طاهر کاتب همایون از او شهریه نگرفت و او را خلیفه مشق بچه‌ها کرد. مقارن همین احوال، استاد میرزا طاهر کاتب همایون در پشت باغ فردوس - که آن زمان سر قبر آقا نامیده می‌شد - مدرسه دیگری به نام مدرسه مبارکه طاهریه باز کرد. استاد زرین خط در آنجا معلم شد. ماهی سه تومان حقوق می‌گرفت. پس از مدتی آنجا را ترک گفت و دوپا تدرسه‌سالی با خط متارکه کرد. در بازار، شاگرد یکی از تجار به نام میرزا اسدالله شالچیان

شد سپس آنجا را نیز ترك گفت و بار دیگر نوشتن خط را آغاز کرد. بعد، اندك اندك خود كلاسى تاسيس كرد و شاگردانى پذيرفت. در اين زمان، يعنى اوائل نهضت مشروطيت به وزارت فرهنگ معرفى شد و آموزش خط سه مدرسه رابه عهده گرفت (مدرسه ثريا، مدرسه انتصاريه و مدرسه كماليه كه متوسطه بود) اما پس از پاترده سال خدمت، چون حجم كارش زياد بود

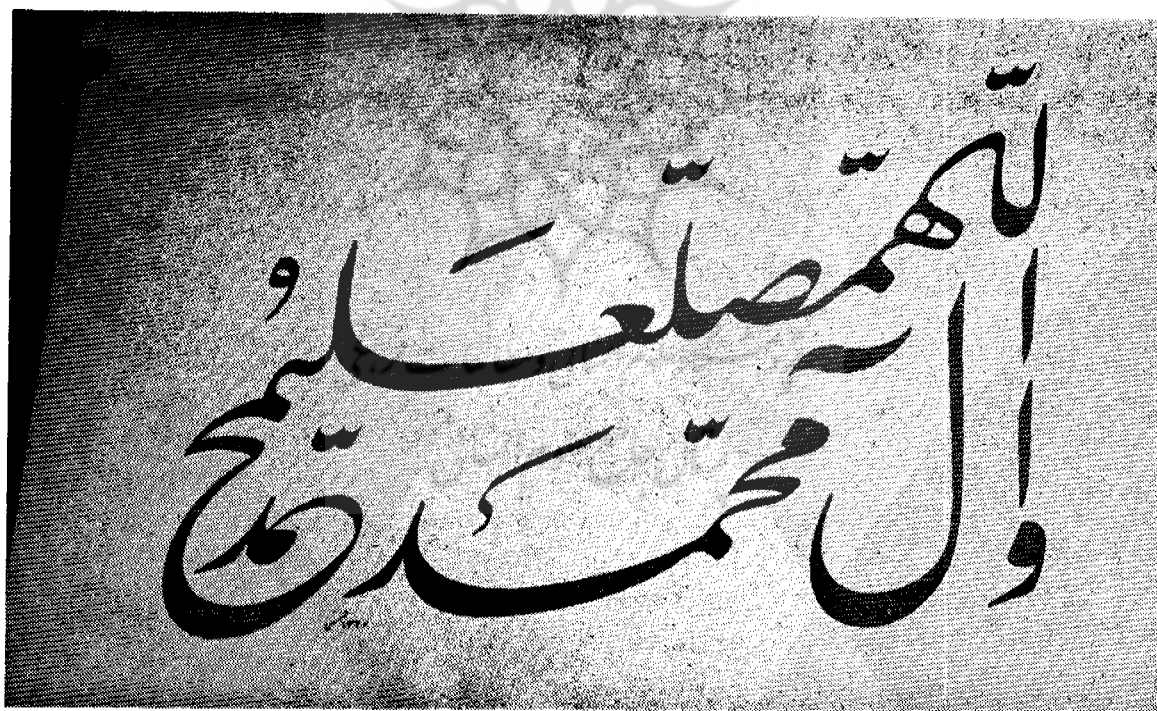
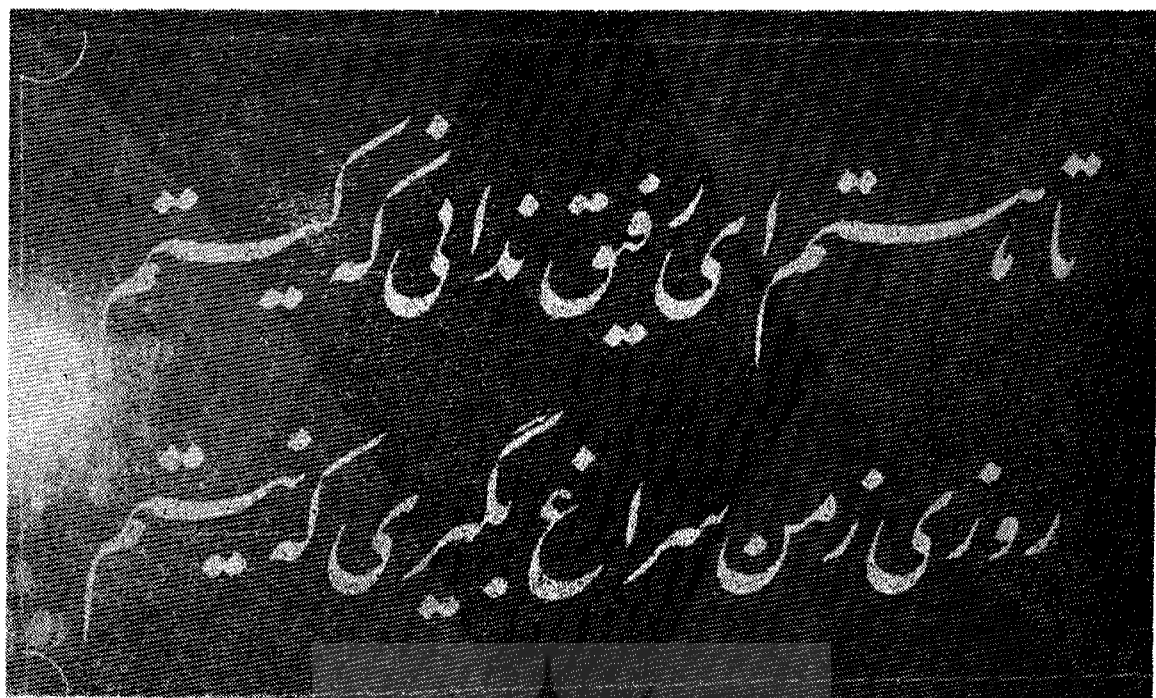
و از طرفى، ناسازگارى هاى ادارى با روحيه اش موافقت نداشت، از آنجائيز استعفا كرد و به طور آزاد به كار پرداخت. هنگامى كه هنوز در مدرسه به آموزش خط مشغول بود، در وزارت معارف و اوقاف و صنايع مستظرفه، مسابقه اى براى خط برگزار شد كه استاد زرين خط نيز در آن شركت جست و در ميان ده نفر مقام اول را كسب كرد. در زمان اعتمادالدوله

(وزير فرهنگ) نوشتن كتابهاى درسى از اول ابتدائى تا سوم متوسطه را منحصرأ به عهده وى نهادند. كه متأسفانه با کنار رفتن اعتمادالدوله، چاپ كتابهاى درسى با حروف متداول شد و ديگر در اين زمينه به خط زيباى نستعليق عنايتى نشد. همه آنها كه در زمان اعتمادالدوله درس مى خوانده اند، خط شيو اى نستعليق كتابهاى درسى خود را به ياد دارند. اما





شاید هیچگاه توجه نکرده باشند که صاحب آن خط زیبا استاد حسن زرین خط بوده است. زیرا او را بسیاری از کارهای خود را امضا نکرده است، و ثانیاً کمتر به کار این هنرمندان اصیل توجه می‌شد. استاد در مورد کتاب‌های درسی می‌گوید: «متأسانه مدتی است که این روش متروک شده و کتابها را با حروف ساخته شده نسخ منتشر می‌کنند، و البته این روش جالب نیست. زیرا چشم بچه‌های معصوم از همان اوان کودکی به خط ناموزون نسخ که ابداع نمی‌تواند جای رسم الخط



شیوای نستعلیق را بگیرد آشنا می شود ، نمی شود . برای نیل به این هدف ، باید از خوشنویسان قدیم وجدیدو راهنمایی های ایشان بهره گیری شود ، و ضمن اقدامات دیگر ، تا آنجا که امکان دارد ، کتابهای نستعلیق است ، کمک مؤثری به نوآموزان و از طریق ترتیب دادن نمایشگاه نیز در زمینه اشاعه خط اصیل ایرانی که همان نستعلیق است ، کمک مؤثری به نوآموزان

درسی را با خط نستعلیق چاپ و منتشر کنند . «
استاد زرین خط ، در طول زندگی خود در کمتر مسابقه ای شرکت جسته است

که در آن نفر اول نشده باشد. در این زمینه، خاطره‌ای را از زبان خودش بشنوید: «برای بانگ ملی، خط روی اسکناس را من نوشتم. بعد گویا رئیس بانگ گفته بود که این خوب نیست. بدهید دیگران بنویسند. مسئول این کار، پشت خط من علامتی گذاشته بود. دیگران هم آمدند و نوشتند. اما رئیس بانگ بی‌آنکه بداند، خط مرا انتخاب کرد و گفت این خوب است.»

مسئول تهیه خط به رئیس بانگ گفت آقا من که از اول همین را آوردم به شما نشان دادم. این خط فلان است. و از آن بدبعد، کارهای خطی بانگ ملی به عهده من گذاشته شد.»

در زمانی که چاپ سنگی معمول بود، کتابهای فوآئدالادب، احسن المراسلات و حساب موسی خان را نوشت. تا آنکه چاپ کلیشه متداول شد. در زمان اعتمادالدوله، نخستین کارهای استاد، با کلیشه کتابهای درسی منتشر شد. و بعدها، معمول شدن افست در صنعت چاپ که در این زمینه گام بزرگی به پیش بود، بیش از پیش جلوه و جلای کارهای او را در کتابهای چاپی نمایان ساخت.

آخرین استاد او، مرحوم محمد حسین عمادالکتاب سیفی^۱ بود. زیرا استاد حسن زرین خط نمونه‌ای از آن انسان های جستجوگر است که هرگز از آموختن دست نمی‌شویند، گرچه خود به‌مرز کمال دست یافته باشند. خود او می‌گوید:

«این اواخر برای تکمیل خط رفتم پیش مرحوم محمدحسین عمادالکتاب سیفی، و تا اندازه‌ای به خط خودم سروسامان دادم. پنج - شش سالی می‌رفتم پهلوی ایشان. یعنی در واقع تا وقتی در قید حیات بودند، می‌رفتم و از ایشان تعلیم می‌گرفتم.» «حالا ده - پانزده سالی میشود که فوت کرده. خدایش بیامزد.»

کسان دیگری نیز که همزمان با استاد حسن زرین خط نزد مرحوم عمادالکتاب سیفی می‌رفته و تعلیم می‌

گرفته‌اند، اینها بودند: علی منظوری [فوت کرده است.]، محمد کجوری (فرزب) که به عقیده استاد زرین خط از بهترین شاگردان مرحوم عمادالکتاب سیفی بوده است. سید ابوالفضل کجوری، محمود طباطبائی، علی اکبر کاوه و محمد ابراهیم بوذری سرآمد همه بودند. اینان استادان خط زمان حاضرند و بیشتر خطاطان و خوشنویسان امروز، شاگردان آنها بشمار می‌روند. همه اینان به جز علی منظوری که در گذشته است، اکنون نیز به کار خط مشغولند و هر یک از آنان در این زمینه استاد هستند.

استاد زرین خط هرگز خود را نمی‌ستاید. حتی واقعیت را نیز در مورد خود به‌طور غیر مستقیم بیان می‌دارد. او آمیزه‌ای از چیره‌دستی، کمال و فروتنی است. اگر از او بپرسید که کدام یک از شاگردان مرحوم عمادالکتاب سیفی به - مرحله استادی نائل آمدند. می‌گوید: «این را باید دیگران بگویند. ما نمیتوانیم ادعائی بکنیم. علی اکبر کاوه خوب می‌نویسد. او استاد خط است. در عین حال، مرحوم عمادالکتاب هر کاری که داشتند، به من واگذار می‌کردند و من برایشان می‌نوشتم.» و بعد بیدرنگ می‌افزاید که: «البته نباید فراموش کنیم که یکی از شاگردان ممتاز مرحوم عمادالکتاب سیفی، محمد کجوری (فرزب) بود. او هم خط را به درجه عالی رسانید. تاجائی که مرحوم عمادالکتاب به او گفتند: حالا دیگر خوب می‌نویسی. دیگر احتیاجی به تعلیم گرفتن نداری. اما افسوس که حالا خط را کنار گذاشته است و دیگر نمی‌نویسد.»

استاد زرین خط، از میان اقلام ششگانه اصلی خط، فقط نستعلیق می‌نویسد. و بی‌گمان، نرمش و قدرتی که در کار او مشاهده میشود، ناشی از همین است که تمامی استعداد و نیروی ذهن فعال و جستجوگر خود را وقف این یک قلم ساخته است. در این باره می‌گوید: «حتی خواستم

از مرحوم عمادالکتاب تعلیم ثلث بگیرم. اما ایشان گفتند خطت بو می‌گیرد. نه این خوب می‌شود، نه آن. تعلیم نگیر. این بود که فقط نستعلیق را دنبال کردم.»

نام استاد حسن زرین خط در شمار استادان مشهور زمان تجدید حیات نستعلیق قرار می‌دهند. به این ترتیب: میرزا عماد، میرزا محمدرضا کلهر^۳، میرزا اسدالله شیرازی^۴، عمادالکتاب، علی منظوری، علی اکبر کاوه، حسن زرین خط و محمد ابراهیم بوذری. در اینجا شاید به‌جا باشد که نگاهی به تاریخچه مختصر خط نستعلیق در ایران بیفکنیم:

این خط که مخترع و واضع آن میرعلی تبریزی^۵ است، در قرن هفتم هجری به وجود آمد. میرعلی تبریزی نستعلیق را از ترکیب نسخ و تعلیق ایجاد کرد. سلطان علی مشهدی^۶، استاد مسلم خط نستعلیق در قرن نهم، که طبع شعر نیز داشته است، درباره میرعلی تبریزی می‌گوید:

نسخ و تعلیق اگر خفی و جلی است

واضع اصل خواجه میر علی است

تا که بوده است عالم و آدم

هرگز این خط نبوده در عالم

وضع فرمود او به ذهن دقیق

از خط نسخ و وز خط تعلیق

نی کلکش از آن شکر ریز است

کاصلش از خاک پاک تبریز است

از آن زمان، خطاطان و خوشنویسان بسیاری در زمینه خط نستعلیق پدید آمدند.

اما از آغاز اختراع آن، از زمان تیمور و شاهرخ و اولاد او تا مدت صد و پنجاه سال، هرگز کسی به‌چیره‌دستی و استادی

میرعلی هروی^۷ در نوشتن این خط نرسید.

میر علی هروی در خوشنویسی نستعلیق استادی یکتا بود. در زمان این خوشنویس

ارجمند (قرن دهم)، خط نستعلیق چنان

ترقی کرد که مافوقی بر آن متصور نبود.

چنانکه بیش از سه چهارم کتابت ایران با این

قلم بود.

سایر خوشنویسان خط نستعلیق پس از میرعلی هروی، مالک دیلمی، باباشاه اصفهانی^۸ و محمدحسین تبریزی^۹ بودند که هر یک در حد خود باعث نضج و ترقی بیشتر این خط شدند. در این زمان، با ظهور میرعماد^{۱۰}، که تاکنون نیز کسی به قدرت و چیره دستی او در خوشنویسی نستعلیق پدید نیامده است، خط نستعلیق، گام غول آسایی به پیش برداشت و به اوج تکامل خود رسید. تا قرن دوازدهم هنر خوشنویسی در ایران روبه تکامل و اعتلا بود، اما از این زمان به بعد سیر نزولی در پیش گرفت. این سیر نزولی تا ابتدای قرن دوازدهم ادامه داشت. اما در نیمه های آن، هنر خوشنویسی بار دیگر جان گرفت و سر برداشت و در این زمینه هنرمندان بزرگی پدید آمدند و آثار فناپذیری به وجود آوردند. قرن دوازدهم، در واقع روزگار تجدید حیات هنر خوشنویسی در ایران محسوب می شود. استادان بزرگ این عصر از این قرارند: میرزا عمو،

میرزا اسدالله شیرازی، میرزا محمد رضا کلهر، عمادالکتاب، علی منظوری، حسن زرین خط، علی اکبر کاوه و محمد ابراهیم بوذری.

در قرن چهاردهم، هنر خوشنویسی بار دیگر اندکی نزول می کند و از شماره خوشنویسان کاسته می شود. چنانکه اهل فن، وضع و جایگاه خوشنویسی را در این قرن، پائین تر از متوسط می دانند، در نیمه اول قرن چهاردهم، استاد مسلم خوشنویسی نستعلیق عمادالکتاب و در اقلام ششگانه امیرالکتاب ملک الکلامی^{۱۱} است.

استاد حسن زرین خط در زمینه تکامل و تطور خط نستعلیق می گوید: «خط نستعلیق از زمان میرعماد به این طرف رونق یافت. و میرزا رضا کلهر آن را تکمیل کرد و به اوج رساند.

کلهر مانند ندارد. بهترین است. ما هم از روی شیوه او می نویسیم. دیگران در حقیقت شاگرد او به حساب می آیند. من تاکنون هر چه کار کرده ام، از روی

خط او بوده است. کارهای من همه معرف شیوه کلهر است.»

به دست استاد که نگاه می کنید، حالتی در آن می بینید که بیدرنگ گمان می دارید حالتی است که قلم، در طول شصت و پنج سال کار و سختکوشی در زمینه خط و خوشنویسی، در دست او به جای نهاده است. اما چنین نیست. زیرا علت آن بیماری روماتیسم، تشخیص نادرست و ندانمکاری پزشکان در مداوای آن بوده است. و شگفتنا! استاد با همین دست، این همه آثار خطی آفریده است. حماسه هیزم شکن اثر بسیج خلخال، کتاب اشعار علی اصغر حکمت، حافظ «قزوینی»، حافظ «فروغی»، دیوان امیر جاهد و انبوهی آثار دیگر. در زیر، گوشه ای از کارهای استاد را - تا آنجا که به خاطر داشتند و نام بردند - از نظر می گذرانند:

- ۱- تحریر کتابهای زیادی با مرکب چاپ چاپ سنگی برای کتابفروشی اسلامیه.
- ۲- تحریر کتابهای زیادی با مرکب

۱. میرزا محمدحسین خان (عمادالکتاب)، خوشنویس دوره احمدشاه قاجار، و پیرو سبک و شیوه خاص میرزا محمد رضا کلهر است. پس از کلهر، تاکنون کسی در این شیوه جای او را نگرفته است. در کمیته مجازات عضویت داشت. شاگردان معروف او علی اکبر کاوه، حسن زرین خط، ابراهیم بوذری و علی منظوری حقیقی بوده اند.

۲. ابراهیم طهرانی (مشهور به میرزا عمو) از خوشنویسان زبردست دوره ناصرالدین شاه قاجار، و شاگرد میرزا غلامرضا اصفهانی بود.

۳. میرزا محمد کلهر، خوشنویس زبردست عهد ناصرالدین شاه قاجار است که شیوه تازه ای در خط نستعلیق آورده که پیش از او کسی به آن نرسیده است. روش خط نستعلیق کنونی زائیده افکار و ابتکارات او است. میرزا رضا همان رویه میرعماد را تعقیب کرد منتهی قواعد و سلیقه های خود را به آن اضافه کرد. از قبیل کوتاه کردن مدها و کوچک کردن و ظریف کردن دوایر، و نیز تغییراتی در سایر ترکیبات. و بدین سان، خط میرعماد با شیوه تازه ای خودنمایی کرد.

۴. میرزا اسدالله شیرازی (کاتب السلطان)؟

در هرات و در مقبره شیخ یوسف الدین باخرزی مدفون گشت.

۸. باباشاه اصفهانی (رئیس الروسا)، دانشمند و خوشنویس و شاگرد میرعلی هروی بود. تاریخ درگذشت او ۱۰۱۲ هجری است.

۹. محمدحسین تبریزی، از اهالی تبریز بود و شاگرد میر سیداحمد محمدی. شاگردان معروف او علیرضا عباسی و میرعماد قزوینی بوده اند. تاریخ دقیق تولد و وفاتش معلوم نیست.

۱۰. میرعماد حسینی سیفی (عمادالملک)، سرآمد خوشنویسان و یگانه استاد مسلم خط نستعلیق است. در زمان شاه عباس بزرگ می زیست. فرزند ابراهیم حسینی از سادات سیفی قزوین بود. در سال ۹۶۱ متولد شد و در ۱۰۲۴ هجری به دست عده ای از اوباشان مقصودبیگ مسگر قزوینی رئیس شاهسون قزوین به قتل رسید.

۱۱. امیرالکتاب عبدالحمید ملک الکلامی (متخلص به شرقی)، در خط ثلث در ردیف بزرگترین استادان است. یگانه پیرو توانای شیوه نستعلیق محمدحسین کاتب السلطان شیرازی است.

خوشنویس معروف دوره فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار است. تا ۱۳۰۷ هجری در قید حیات بوده. تاریخ تولد و وفاتش نامعلوم است.

۵. میرعلی تبریزی، پیشوا و واضع خط نستعلیق و از مفاخر قرن هفتم است. در خطوط معموله زمان دست قوی داشت و اغلب خطوط را نیکو می نوشت. او برای خط نستعلیق قواعد و قوانینی تعیین کرد. تاریخ تولد و وفاتش نامعلوم است.

۶. سلطان علی مشهدی (سلطان الخطاطین)؟ خوشنویس دوره سلطان حسین باقرآبادی (۸۷۷ - ۹۱۱) و وزیرش امیر علیشیر نوائی است. تولد او در مشهد بوده و تاریخش معلوم نیست. در سال ۹۱۹ درگذشت و در زادگاهش مدفون گشت.

۷. میرعلی هروی (کاتب السلطانی)، از سادات حسینی هرات بود. در زمان سلطان حسین باقرآبادی می زیست. از خوشنویسان بزرگ بود و مدت ۱۵۰ سال از آغاز خط نستعلیق تا زمان او و بعد از او تا ظهور میرعماد هیچ یک از خوشنویسان نستعلیق شایسته برابری و همسری با او نیستند. تاریخ دقیق تولد و وفات او نامعلوم است.



چاپ چاپ سنگی برای کتابفروشی سعادت.

۳ - تحریر کتابهای زیادی با مرکب چاپ چاپ سنگی .

۴ - تحریر کتابهای درسی از ابتدائی تا سوم متوسطه .

۵ - نوشتن پلاک برای ثبت املاک، در حدود ۵۰۰۰۰ عدد .

۶ - نوشتن کارهای خطی زیادی برای راه آهن (در ابتدای تأسیس) ، و خطهایی برای مدرسه راه آهن ، بر روی سنگ .

۷ - تحریر خطهای زیادی جهت گنجبری برای سالن ورزشگاه امجدیه .

۸ - تحریر ۲۰ متر خط روی سنگ مرمر ، از طرف شیر و خورشید سرخ ، برای آموزشگاه رضاشاه کبیر .

۹ - تحریر کتیبه‌های بسیار ، چه در مرکز و چه شهرستانها ، برای شیر و خورشید سرخ ایران .

۱۰ - آثار زیادی در خراسان ، قم ، حضرت عبدالعظیم ، بقعات متبرکه ، اماکن مقدس در خاک عراق و غیره .

۱۱ - تحریر کتیبه‌های بسیار برای مساجد و اماکن متبرکه از قبیل مسجد جامع ، مسجد قائم ، مدرسه سپهسالار ، مسجد فیروز آبادی ، مسجد هدایت ، مسجد طالقانی ، مسجد جامع نارمک ، مسجد دزآشیب ، مسجد قلهک ، خانقاه نعمت‌اللهی ، حسینیه قم و ...

۱۲ - تحریر بیش از ۵۰۰۰ متر کتیبه برای کاشی‌سازی خاک‌نگار مقدم .

۱۳ - نوشتن کتیبه‌های مرمری آرامگاه فردوسی در توس ، آرامگاه نادرشاه در مشهد ، آرامگاه خیام در نیشابور ، آرامگاه ابن سینا و باباطاهر در همدان ، آرامگاه شیخ روزبهان در شیراز و سیبویه که جدیداً از طرف انجمن آثار ملی آرامگاهی جهت او تأسیس می‌کنند، برای انجمن آثار ملی .

۱۴ - تحریر بیش از سیصد قطعه سنگ‌مزار متفرقه برای سنگ‌تراشها .

۱۵ - تحریر کتیبه‌های زیادی برای حسینیه ارشاد .

۱۶ - تحریر کتابهایی از قبیل : دیوان امیر جاهد ، حماسه هیزم‌شکن ، حافظ «فروغی» ، حافظ «قزوینی» ، ترجمه الصلوات ، درس دین ، سرود اسلامی و کتاب حکمت خیام .

۱۷ - تحریر بیش از دو هزار صفحه ترجمه بروشور داخل جعبه‌های دارو ، برای دارو فروشان .

۱۸ - انجام کارهای سفارشی علی‌زین‌صفت ، صاحب پلاک‌سازی مرغوب ، به مدت سی سال .

۱۹ - تحریر بیش از ۱۵۰ قطعه سنگ برای بانک سپه .

۲۰ - انجام کارهای متفرقه فراوان در طول شصت - هفتاد سال که به حساب نمی‌آیند . از قبیل تحریر خط شناسنامه ، دفاتر ازدواج ، دفتر املاک ، سایر سندهای مالکیت ، اوراق بهادار ، اسکناس و زیارتنامه برای حضرت عبدالعظیم و ... علاوه بر این آثار ارزشمند ، استاد خود نیز کتابی تألیف کرده‌اند در دوازده جلد به نام آداب‌المشق که آن را مطابق استعداد بچه‌ها و برای مدرسه نوشته‌اند . این کتاب ، برای کلاسهای سوم ، چهارم ، و پنجم و ششم است . استاد می‌گوید : اگر می‌توانستم از همه کارهایم نمونه بردارم ، از شماره بیرون می‌شد . از بسیاری کارهایم اصلاً نمونه برداشته‌ام . یعنی نمیشد برداشت . مثل کاشی‌های معرق حسینیه ارشاد ، یا سنگی که برای مقبره فردوسی نوشته‌ام و ده‌ها و صدها اثر دیگر که اکنون به‌خاطر ندارم . البته می‌شد از آنها اسلاید گرفت . اما تا حالا این کار را نکرده‌ام . استاد از میان این همه کاری که انجام داده است ، زبده حافظ «فروغی» و «دیوان امیر جاهد» را بیشتر از همه می‌پسندد . بزرگواری ، واقع‌بینی و فروتنی . اینها خصلتهایی است که در تمام مدت صحبت با استاد ، در او احساس می‌کنید .

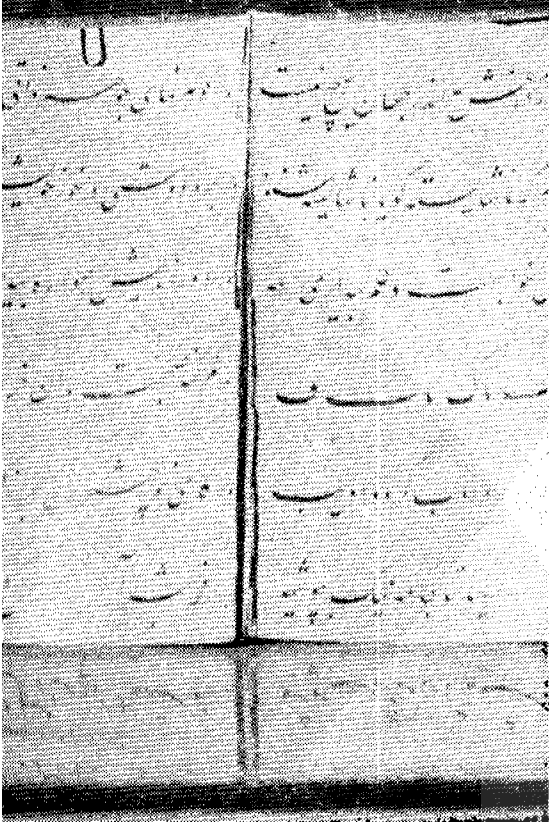
از او می‌پرسیم : استادان خوشنویس این زمان کیانند ؟ می‌گوید : «علی منظوری نفرشی ، محمد ابراهیم بوذری ، علی اکبر کاوه و میرخانی ، اینها همه خوب مینویسند .» و سپس می‌افزاید :

«چندتا از شاگردهای میرخانی هستند که خوب می‌نویسند . من چند تا شاگرد دارم که بهتر از من می‌نویسند . ولی‌الله صمدی ، نصرالله معین ، محمد نجیبائی و منوچهر مهاجرانی ، من نمونه خطشان را هم دارم . آنها هم دستشان قوی است و هم بهتر از من می‌نویسند . و راستی که به قول معروف ، دست بالای دست بسیار است . ادا نمی‌توان کرد . پاروی حق نمی‌توان گذاشت . بسا ممکن است کسانی پیدا شوند که از استادشان بهتر بنویسند .»

از استاد می‌پرسیم نظرتان راجع به کم و کیف و احوال هنر خوشنویسی امروز چیست ؟ می‌گوید : «خط در حال حاضر رونق فراوانی پیدا کرده است خیلی‌ها هم طالب هستند و در این راه گم برمی‌دارند ، و مینویسند . انجمن خوشنویسان هم خیلی شاگرد تربیت کرده است . بیشتر آنها خیلی خوب می‌نویسند : عبدالرسولی ، احمد معصومی زنجانی ، میرزا ابراهیم زرین‌قلم ، و کیمیاقلم (که فوت کرده است) .»

می‌پرسیم ، شما با انجمن خوشنویسان معاصر در رابطه هستید ؟ می‌گوید : «یک وقتی مرا خواستند که بروم در آنجا تعلیم بدهم . گفتم شهادت و سال است این کلاس را تأسیس کرده‌اید و تعلیم می‌دهید . من سی سال است که این کلاس را دارم . اگر بخواهم تعلیم بدهم ، همین‌جا تعلیم میدهم . چه لزومی دارد که بیایم آنجا ؟ و راستی هم که حجم کارم آنقدر زیاد بود که دیگر نمی‌رسیدم برای تعلیم دادن به آنجا هم بروم .»

میرسیم ، چگونه نمونه خطهایی را که امضاء ندارند و معلوم نیست کی تحریر شده و چه کسی تحریر کرده است شناسائی



حرمت نمایندگان راستین آن را که امثال زرین خطها، این «پیران میوه خویشتن» هستند، نگاه داریم، و تنها به این بسنده نکنیم که خدای ناکرده پس از از دست دادن آنان در سر نای گشاد و وسایل ارتباط جمعی بدمیم و مویه سردهیم که: افسوس... استادی بی بدیل از دست رفت... که چنین بود و چه و چها...

هنرمندان اصیل را در زمان حیاتشان دریابیم. زیرا تجلیل آنچنانی، همان روایت کهنه نوشدارو و سهراب است و آزادگان از دست رفته را به کاری نیاید. گوشه‌ای از این گلایه‌ها را از زبان خود استاد بشنویم، بهتر است:

«نمی‌دانم چرا کسی به ما توجه ندارد. در داخل به خط اهمیت نمی‌دهند ولی بسیار دیده و شنیده‌ایم که هنرشناسان تمام جهان خط فارسی را به عنوان یکی از زیباترین پدیده‌های هنر باستانی ایران معرفی کرده‌اند. شاهد این ادعای من علاقه‌مندی مسئولین موزه‌های بزرگ جهان است که مرقعات خط ایرانی را گردمی‌آورند و به عنوان گنجینه هنر ایران حفظ می‌کنند.»

و نیز:

«چند سال پیش، اشعار دورادور مجسمه فردوسی را نوشتم و با امضاء تحویل دادم. این مجسمه رازرتشبهای هندوستان تثار کرده‌اند و مربوط به شهرداری نیست. با این همه، قرار شد که شهردار بیاید و آن را ببیند. وقتی آمد و امضای مرا در زیر نوشته دید، با تغییر گفت: تو که برای این کار پول گرفته‌ای، دیگر امضاء کردنت چه بود؟! در صورتی که در خارج از ایران، خوشنویسان اگر حتی یک کارت ویزیت برای کسی بنویسند، زیرش امضاء می‌گذارند. آیا این درست است به من که تاکنون شش هفت هزار متر خط کتیبه نوشته‌ام و نمونه خطم در جیب‌های ایرانی هست، و همه خط‌شناسان به هنرمند اعتراف دارند، اجازه ندهند که در مواردی، زیر خط خود را امضاء کنم؟»

می‌کند و پی‌می‌برند که تحریر چه کسی است و در چه زمانی تحریر شده است؟ می‌گوید: «از روی شیوه خط، می‌توان به این مطلب پی‌برد. زیرا شیوه هر کسی مشخص است. و نمی‌توان آن را عیناً تقلید کرد.»

استاد، شاگردان فراوانی تربیت کرده است. البته بعضی از آنها نیمه‌کاره رها کرده‌اند و رفته‌اند. اما پاره‌ای ادامه داده‌اند و هنوز هم برای تعلیم گرفتن از محضر استاد بهره می‌گیرند. روزی که ما برای گفتگو به خدمت استاد رفته بودیم، یکی از شاگردان او به نام محمد نجبائی نیز حضور داشت که احساس سپاسگزاری، قدردانی و احترام فراوانی نسبت به استاد خود داشت و این از حرکات و گفتارهایش پیدا بود.

استاد زرین خط می‌گوید: «هر هنرمندی باید تأمین باشد تا خالق آثار هنری گردد. وقتی که یک جوان مستعد برای فراگرفتن خط که لااقل باید دهها سال تمرین و ممارست داشته باشد، تأمین ندارد، باید به او حق داد که از فراگیری این هدف صرف نظر کند... مراجعین بسیاری داشته‌ام که به عللی از فراگیری این هنر صرف نظر کرده و به دنبال کارهای دیگری رفته‌اند. برای نگهداری اینان و بالمآل حفظ آثار قلمی و سنی ملی، باید مسئولین امر در فکر چاره باشند.»^{۱۲}

زمانی که از کار تعلیم در مدرسه‌های دولتی استعفا کرد و به صورت آزاد به کار پرداخت، محل کارش بالاخانه‌ای بود واقع در روبروی شمس‌العماره. ده سال تمام در این بالاخانه کار کرد و سپس به محل کار کنونی خود واقع در خیابان ناصر خسرو، بالای دارالفنون نقل مکان کرد و از آن زمان تاکنون، مدت چهل و پنج سال است که در اینجا کار می‌کند. اگر به راستی به هنر و فرهنگ اصیل و سنتی ایران ارجح می‌گذاریم، و اگر به اعتلا و پیشرفت آن علاقه داریم، باید

هنگامی که با تشکر از استاد خدا حافظی می‌کنیم، چشممان به یک بیت شعر زیبا، به خط خود استاد می‌افتد که در زیر شیشه میز گرد کوچک وسط اطاق قرار دارد:

این خط جاده‌ها که به صحرا نوشته‌اند
پاران رفته با قلم پا نوشته‌اند

زیر نویس‌ها:

ماخذ و منبع اصلی این مقاله، گفتگو با خود استاد و تقریرات ایشان است که بر روی نوار ضبط شد و سپس پیاده گردید و در تنظیم مقاله از آن بهره گرفته شد. در چند مورد از متن مقاله به طور جزئی، و در تنظیم زیر نویسها به طور عمده از کتابهای «اطلس خط»، اثر حبیب‌الله فضائی، نشر به انجمن آثار ملی اصفهان، ۱۳۵۰، و «تاریخ خط و خطاطان»، نوشته ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، چاپ اول، آذرماه ۱۳۴۵، استفاده شده است.

۱۲. از گفتگوی «صفا» با استاد، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۵۲، شماره ۱۴۳۰۱.